

**Islamic Law and Jurisprudence Studies**  
**Volum 17, Consecutive Number 41, Winter (December) 2025**  
**Issn: 2717-0330**

**Pages 1-40 (Research Article)**

**Received:** July 14, 2025 **Revised:** August 24, 2025 **Accepted:** September 13, 2025

**Journal Homepage:** <https://feqh.semnan.ac.ir>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



## **The rights of disabled criminals in the Iranian penal system**

**Masood. Basami**<sup>1</sup> 

1: Assistant professor, Law Department, Islamabad West Branch, Islamic Azad University, Islamabad West, Iran: [masoud1360@iau.ac.ir](mailto:masoud1360@iau.ac.ir)

**Abstract:** Disabled people are among the most vulnerable groups in society and are always at risk of having their rights violated. Therefore, numerous efforts have been made at various national and international levels to achieve their rights. One example of the rights of people with disabilities is their rights in the criminal justice system. People with disabilities, like other people, may commit crimes, but given their problems, they should not be treated like ordinary people. Rather, a differentiated penal policy based on positive discrimination should be adopted towards them. Considering this issue, the purpose of this study is to examine the rights of disabled criminals in the Iranian penal system. The findings of the research, which was conducted using a descriptive-analytical method, indicate that the rights of the disabled were poorly addressed in the Iranian penal system before .2023 (1402) In general, currently in Iran , disabled criminals enjoy various rights, including the right to an interpreter and expert, the right to a free legal aid lawyer, the right to reduced sentences and alternative punishments fact to imprisonment.

**Keywords:** Rights of the disabled, offender, criminal justice, Iran, discriminatory penal policy.

- M. Basami (2025), "The rights of disabled criminals in the Iranian penal system", Semnan University: *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 17(41), 1-40.

[Doi: 10.22075/feqh.2025.38331.4318](https://doi.org/10.22075/feqh.2025.38331.4318)

سال ۱۷ - شماره ۴۱ - زمستان ۱۴۰۴

صفحات ۴۰-۱ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۴/۰۴/۲۳ - بازنگری ۱۴۰۴/۰۶/۰۲ - پذیرش ۱۴۰۴/۰۶/۲۲

## حقوق معلولان بزهکار در نظام کیفری ایران

مسعود بسامی<sup>۱</sup>

[masoud1360@iau.ac.ir](mailto:masoud1360@iau.ac.ir)

۱: استادیار گروه حقوق، واحد اسلام آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد غرب، ایران.

**چکیده:** معلولین جزو اقشار آسیب پذیر جامعه بوده و همواره در معرض تضییع حقوق خود می باشند؛ از اینرو تلاش های متعددی در سطوح مختلف ملی و بین المللی برای احقاق حقوق آنها صورت گرفته است. یکی از مصادیق حقوق معلولان، حقوق آنها در نظام عدالت کیفری می باشد. معلولین مانند سایر انسان ها ممکن است مرتکب جرم شوند، ولی با توجه مشکلاتشان نمی بایست مانند افراد عادی با آنها برخورد گردد، بلکه لازم است یک سیاست کیفری افتراقی مبتنی بر تبعیض مثبت نسبت به آنها اتخاذ گردد. با توجه به این موضوع، هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی حقوق معلولین بزهکار در نظام کیفری ایران می باشد. یافته های پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته، بیانگر آن است که در نظام کیفری ایران تا قبل از سال ۱۴۰۲ به حقوق معلولان به صورت ناقص توجه شده بود. در سال ۱۴۰۲ به موجب بخشنامه صادره از سوی قوه قضائیه موسوم به «دستورالعمل نحوه حمایت از حقوق اشخاص معلول و سالمند در فرایند دادرسی» حقوق معلولان در نظام کیفری به نحوه تقریباً جامعی مورد توجه قرار گرفت. در مجموع در حال حاضر در ایران معلولان بزهکار از حقوق مختلفی برخوردار می باشند که از جمله می توان به حق برخورداری از مترجم و کارشناس، حق برخورداری از وکیل معاضدتی و رایگان، حق برخورداری از تخفیف مجازات و مجازات جایگزین حبس اشاره کرد.

**کلیدواژه:** حقوق معلولان، بزهکار، عدالت کیفری، سیاست کیفری افتراقی.

- بسامی، مسعود (۱۴۰۴) «حقوق معلولان بزهکار در نظام کیفری ایران». دانشگاه سمنان: مطالعات فقه و حقوق

اسلامی دانشگاه سمنان. ۱۷(۴۱): ۱-۴۰.

Doi: 10.22075/feqh.2025.38331.4318

## مقدمه

کم توانی و معلولیت مسائلی هستند که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و در هر مقطعی از تاریخ رویکرد جامعه نسبت به این موضوع متفاوت بوده است. بر اساس برخی منابع حدود ۱۵ درصد از جمعیت جهان (جلالیان، ۱۴۰۰: ۳) و طبق منابع دیگر حدود ۱۰ درصد از جمعیت هر جامعه، از انواع معلولیت رنج می برند (محمودی، ۱۳۹۹: ۹۶). معلولین به مثابه بزرگترین اقلیت انسانی جهان، اغلب با موانعی دست به گریبان می باشند که مشارکتشان را در بسیاری از جنبه های زندگی اجتماعی با مخاطره روبرو می سازد و به عنوان طیفی از اقلیت های یک جامعه همواره به نوعی در معرض تضییع حقوق خود می باشند. از اینرو چنان چه ساز و کار حمایتی با نگرش حق محورانه در جهت برابری حقوق آنها فراهم نگردد، نمی توانند حتی از حقوق اولیه خود برخوردار شوند (نصیب و دیگران، ۱۳۹۰: ۲) به همین دلیل، تلاش های متعددی به طور عام و خاص در سطوح مختلف ملی و بین المللی برای احقاق حقوق آنها صورت گرفته است.

نخستین بار در سال ۱۹۲۴ در اعلامیه حقوق کودک که به تصویب جامعه ملل رسید این جمله در یکی از موارد پنجگانه اعلامیه گنجانیده شد: «کودکی که دارای معلولیت ذهنی است باید یاری شود». شاید بتوان درج این جمله و واژه «معلولیت» را آغازی بر حضور دائمی موضوع ناتوانی و معلولیت در بسیاری از اعلامیه ها و قطعنامه های حقوق بشری سازمان ملل متحد دانست (کمالی، ۱۳۸۲: ۴۵). متعاقباً در سطح بین المللی اسناد متعددی در حمایت از معلولین به تصویب رسید. از جمله اعلامیه حقوق عقب ماندگان ذهنی مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۷۱ مجمع عمومی سازمان ملل، اعلامیه مربوط به حقوق معلولان ۹ دسامبر ۱۹۷۵، قواعد استاندارد درباره برابری فرصت ها برای معلولان ۱۹۹۳ مجمع عمومی سازمان ملل (گرچی و شیرزاد نظرلو، ۱۳۹۷: ۱۴۳). همچنین سال های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۳ به عنوان دهه جهانی معلولان از سوی سازمان ملل نامگذاری شد (کمالی و فریبا، ۱۳۸۲: ۹۵) نهایتاً در سال ۲۰۰۶ «کنوانسیون حمایت از معلولان» به عنوان یک سند جامع به تصویب رسید و بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران به آن به عنوان یک معاهده بین المللی ملحق می شوند. این کنوانسیون به عنوان یک عامل اصلی در جنبش جهانی

حقوق معلولان به شمار می‌رود و باعث گردید حمایت‌های حقوقی و اجتماعی از افراد معلول دنبال شود.

هرچند طبق اصل هفتم اعلامیه جهانی حقوق بشر «همه انسان‌ها در برابر قانون مساوی هستند...» لکن همان‌طور که برخی نویسندگان اذعان داشته‌اند اصل دکترین برابری نباید مانع از حمایت‌های مضاعف از معلولان گردد. بلکه معلولین نیازمند حمایت‌های افزون‌تری نسبت به سایر افراد عادی جامعه هستند و در واقع نیازمند نوعی تبعیض مثبت می‌باشند (محمدری قاری، ۱۳۸۷: ۱۹۵). برابری در حقوق زمانی معنا دارد که افراد در جایگاه و موقعیت مساوی باشند، اما افراد معلول از آن حیث که از موقعیت جسمانی یا ذهنی نابرابر برخوردار هستند دستیابی آنها به موازین حقوق بشری نباید مانند افراد سالم و عادی جامعه باشد. بر همین اساس، بند ۴ ماده ۵ کنوانسیون افراد دارای معلولیت سال ۲۰۰۶ مقرر می‌دارد: «اقدامات ویژه حمایتی که برای وصول به برابری صورت می‌گیرد نباید تبعیض ناموجه به شمار آیند.»

در دین اسلام نیز مسأله معلولیت هم از جهت اخلاقی و هم حقوقی مورد توجه و بحث بوده است. احادیث متعددی از معصومین (ع) در باب توجه به معلولین و ناتوانان وجود دارد. از جمله پیامبر (ص) فرمود: هر کس به یاری ناتوانی قیام کند، برای او هفتاد و سه حسنه خواهد بود. امیرالمؤمنین علی (ع) از قول پیامبر می‌فرماید: اگر کسی نابینایی را چهل قدم عصاکشی نماید، از آن چه زمین را پر از طلا کنند و به او بدهند، اجرش بیشتر است (به نقل از: ابوطالبی و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۷). از حیث حقوقی نیز موضوع معلولیت مورد توجه فقها قرار گرفته و در آثار خود هم در مباحث مدنی و هم جزایی به آن پرداخته‌اند. در امور مدنی معلولیت عقلی می‌تواند حسب مورد باعث بطلان یا غیر نافذ بودن معاملات گردد. معلولیت جسمی نیز مانند نابینایی، کر و لال بودن، می‌تواند موجب سقوط حکم حضانت افراد معلول شود (موسوی مقدم و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۱۵). در مسائل جزایی نیز معلولیت حسب مورد می‌تواند از موجبات تخفیف یا تبدیل مجازات باشد.

در مجموع معلولین به دلیل وضعیت خاصشان جزو ناتوان ترین افراد جامعه بوده و نیازمند حمایت های خاصّ می باشند و می بایست حقوق آنها در تمام موضوعات مورد توجه قرار گیرد. یکی از مصادیق حقوق معلولین، حقوق آنها در نظام کیفری می باشد. معلولان مانند سایر افراد جامعه ممکن است مرتکب جرم شوند. حال مسأله این است که نحوه برخورد با آنها در نظام عدالت کیفری چگونه باید باشد؟ آیا معلولان بزهکار مانند مجرمین عادی قابل محاکمه و مجازات هستند؟ خودشان شخصاً می بایست در جلسات دادرسی حاضر شده و به دفاع از حقوق خود بپردازند؟ معلولی که به مجازات حبس محکوم شده است آیا مانند سایر افراد محکوم حبس در زندان های عادی و عمومی می بایست دوران محکومیت خود را طی نماید؟ مباحث مذکور خصوصاً در مورد معلولین کم توان ذهنی، معلولینی که ناشنوا هستند و یا قادر به تکلم نمی باشند از اهمیت خاصی برخوردار است. با توجه به موضوعات مورد بحث، ضرورت انجام پژوهشی در باب حقوق معلولین بزهکار در نظام کیفری ایران، آشکار می گردد. در کشور ایران موضوع حقوق قضایی معلولین (اعم از حقوق آنها در نظام کیفری و ...) ابتدائاً به طور محدود و ناقص در قانون جامع حمایت از معلولین ۱۳۸۳ و آیین نامه اجرایی ماده ۱۳ قانون مذکور مورد توجه قرار گرفت. متعاقباً در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به برخی از حقوق معلولین در دادرسی اشاره گردید. قوانین و مقررات مذکور به طور جامع و مانع، حقوق قضایی معلولین را تأمین نمی نمود تا این که در سال ۱۳۹۷ قانون جدید حمایت از معلولین به تصویب رسید. قانون موصوف نیز به نحوه محدود به حقوق قضایی معلولان اشاره کرده است؛ لیکن قانون مذکور تصویب آیین نامه های مورد نیاز را به سازمان ها و مراجع مرتبط واگذار نموده است. نهایتاً در سال ۱۴۰۲ برای نخستین بار به موجب بخشنامه صادره از سوی قوه قضاییه موسوم به «دستور العمل نحوه حمایت از حقوق اشخاص معلول و سالمند در فرایند دادرسی» حقوق قضایی معلولین به نحوه تقریباً جامعی مورد توجه قرار گرفت. پژوهش حاضر با هدف بررسی حقوق معلولان بزهکار در نظام کیفری ایران با روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. در خصوص حقوق معلولین تحقیقات متعددی انجام یافته است که از جمله می توان به مقالاتی راجع به حقوق شهروندی معلولان، حقّ

اشتغال معلولان و حقوق معلولین در حوزه شهری اشاره نمود. با این حال، با توجه به بررسی های صورت گرفته تاکنون پژوهشی جامع و مستقل در باب حقوق معلولین بزهکار در نظام کیفری ایران انجام نشده است. هرچند در برخی از پژوهش ها به حقوق قضایی معلولان پرداخته شده، اما مطالب آنها جامع و مانع نبوده و به روز نیز نمی باشند، به گونه ای که اغلب قبل از قانون حمایت از معلولان ۱۳۹۷ و دستورالعمل حمایت از معلولان در فرآیند دادرسی ۱۴۰۲ نگارش یافته اند. ولی در پژوهش حاضر از یک سو سعی گردیده است با نگاهی جامع الاطراف به حقوق معلولین بزهکار در نظام کیفری پرداخته شود و از سوی دیگر، محتوای آن براساس آخرین تغییر و تحولات در حوزه حقوق معلولین تدوین گردد. مباحث این پژوهش در سه بخش تدوین گردیده است: بخش اول به کلیات اختصاص یافته که شامل مبانی و مفاهیم و پیشینه تقنینی حمایت از معلولین در ایران می باشد. از آنجایی که حقوق کیفری دارای دو شاخه اصلی حقوق کیفری ماهوی و حقوق کیفری شکلی می باشد (محسنی، ۱۳۹۲: ۶۰/۱)، محتوای پژوهش بر اساس هر دو شاخه حقوق کیفری تدوین شده است. لذا بخش دوم مقاله به حقوق معلولین در حقوق کیفری شکلی پرداخته است. نهایتاً در بخش سوم، حقوق معلولین بزهکار در حقوق کیفری ماهوی مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان نکته قابل ذکر این است که برخی از مواردی که در پژوهش حاضر به عنوان حقوق معلول بزهکار ذکر گردیده است، بزه دیده معلول نیز آن حقوق را دارا می باشد و ذکر آنها به عنوان حقوق معلول بزهکار به معنای عدم شمول آن نسبت به بزه دیده نیست.

## ۱- مبانی و مفاهیم

### ۱-۱- مفاهیم

واژه معلولیت را باید نزدیک به اصطلاح ناتوانی دانست. تا سال ۱۹۸۰ بیشتر از آن که از اصطلاح ناتوانی استفاده شود از واژه معلولیت استفاده می شد. بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی، معلولیت که پس از دهه ۱۹۸۰ به کم توانی و ناتوانی تغییر یافت هر نوع فقدان، محدودیت و نقص در کارکردهای جسمی و ذهنی را شامل می شود

(غفارپورنافچی و محمدی، ۱۳۹۹: ۲۰۳). در ماده ۱ اعلامیه حقوق معلولان مصوب ۱۹۷۵ مجمع عمومی سازمان ملل، معلول اینگونه تعریف شده است: «معلول یعنی هر فردی که به صورت کامل یا ناقص به علت نقص مادرزادی یا غیر مادرزادی در توانایی های جسمی یا ذهنی، قادر به رفع نیازهای یک زندگی عادی شخصی یا اجتماعی نباشد.» کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت ۲۰۰۶ (۱۳۸۵) معلول را اینگونه تعریف می کند: «افراد دارای معلولیت شامل کسانی می شوند که نواقص طویل المدت فیزیکی، ذهنی، فکری یا حسی دارند به نحوی که در تعامل با موانع گوناگون امکان دارد مشارکت کامل و مؤثر آنان در شرایط برابر با دیگران در جامعه متوقف گردد». طبق بند الف ماده یک قانون حمایت از معلولان ۱۳۹۷: «فرد دارای معلولیت شخصی است که با تأیید کمیسیون پزشکی - توانبخشی تعیین نوع و تعیین شدت معلولیت سازمان بهزیستی کشور، با انواع معلولیت ها در اثر اختلال و آسیب جسمی، حسی (بینایی، شنوایی)، ذهنی روانی و یا توأم با محدودیت قابل توجه و مستمر در فعالیت های روزمره زندگی و مشارکت اجتماعی، مواجه می باشد.» تقسیم بندی های فراوانی از معلولین وجود دارد. در یک تقسیم بندی، معلولین به: ۱- معلولین حسی؛ ۲- معلول جسمی یا حرکتی؛ ۳- معلولین ذهنی و روانی، تقسیم بندی شده اند. در یک تقسیم بندی کلی افراد دارای معلولیت به ۶ گروه شامل: افراد دارای اختلالات جسمی، حرکتی، شنوایی، بینایی (به نحوی که از طریق ابزارهایی مانند عینک قابل حل نباشد) ذهنی روانی و معلولیت اجتماعی شامل افراد طرد شده جامعه ولگردان، معتادان تقسیم می گردند (نباتی، ۱۳۸۹: ۲۷).

نسبت به معلولین رویکردهای متفاوتی وجود داشته است. رویکرد اولیه نسبت به معلولین «رویکرد رفاه اجتماعی» یعنی تأمین امکانات رفاهی برای آنان بود. به دنبال عدم توفیق رویکرد رفاه اجتماعی برای معلولان، برای ایجاد ارتقاء وضعیت حقوقی افراد معلول رویکرد جدیدی در این عرصه ظهور کرد که بر اساس «برابر سازی فرصت ها» استوار بود. به موجب این نگرش، دولت ها باید تمامی اقدامات تقنینی، اجرایی و قضایی لازم را به منظور برخورداری افراد معلول از فرصت های برابر با سایر افراد جامعه انجام دهند. تحولات بعدی موجب شد که رویکرد برابری فرصت ها به صورت نگرش حقوق بشری،

تکامل یابد و حقوق اشخاص دارای معلولیت نیز به عنوان بخشی از نظام کلی حقوق بشر و در کنار حقوق گروه‌های خاص همچون زنان، کودکان و اقلیت‌ها مورد توجه قرار گیرد (یوسفیان، ۱۳۸۷: ۲۱۲).

## ۲-۱- سابقه تقنینی حمایت از معلولین در حقوق ایران

در کشور ایران تا چند دهه گذشته توجه به معلولان جنبه اخلاقی و مذهبی داشت تا این که با تصویب قانون تشکیل انجمن توانبخشی در سال ۱۳۴۶ و تکلیف دولت بر دایر نمودن انجمن توانبخشی در وزارت کار و امور اجتماعی، امور معلولان به عرصه قوانین و مقررات کشور ورود پیدا کرد (نصیب و دیگران، ۱۳۹۰: ۵). متعاقباً در سال ۱۳۵۹ لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور به تصویب رسید که یکی از وظایف آن حمایت و توانبخشی حرفه‌ای و اجتماعی معلولین است. همزمان با تحولات بین‌المللی، در سال ۱۳۸۳ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان به تصویب می‌رسد که نقش سازمان‌های غیردولتی مرتبط با امور معلولان در تصویب آن بسیار مهم و حائز اهمیت بود. در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵) با هدف حمایت از حقوق و عزت افراد معلول، «کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت» که یک معاهده بین‌المللی سازمان ملل متحد می‌باشد، منعقد می‌شود و ایران به کنوانسیون مزبور ملحق می‌گردد و در سال ۱۳۸۷ «قانون تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت» به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد. با لازم الاجراء شدن کنوانسیون بین‌المللی حقوق اشخاص دارای معلولیت و پیوستن ایران به این کنوانسیون، حمایت از معلولان در ایران وارد مرحله تازه‌ای شد و تغییرات و اصلاحاتی در قوانین و مقررات رخ داد که از جمله، تصویب قانون حمایت از حقوق معلولان در سال ۱۳۹۷ می‌باشد که جایگزین و ناسخ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ۱۳۸۳ گردید.

توضیح این که در قانون سال ۱۳۸۳ حقوق مدنی و سیاسی اشخاص دارای معلولیت به هیچ وجه مورد توجه قرار نگرفته بود، بلکه صرفاً به پیش‌بینی برخی مزایای اقتصادی و اجتماعی برای این قشر بسنده شده بود. قانون موصوف به میزان زیادی تحت تأثیر دیدگاه رفاه اجتماعی تنظیم شده بود، بی آن که به برابری آنها با سایر افراد جامعه و منع هرگونه

تبعیض براساس معلولیت اشاره گردد. قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۷ نیز بیش از آن که قانون حقّ محور باشد به شناسایی و تضمین حقوقی برابر معلولین با افراد عادی تأکید می کند و دیدگاهی رفاهی به موضوع دارد. این قانون به لحاظ حقوقی و قضایی، تحوّل نداشته است. به عبارتی از جنبه های ماهوی تأثیری از کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت نپذیرفته و فقط از نقطه نظر رفاهی و اجتماعی همگرایی محسوسی با کنوانسیون دارد (پروانه و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۸). حمایت حقوقی و قضایی از معلولین ابتداء به طور محدود طی آیین نامه اجرایی ماده ۱۳ قانون جامع حمایت از حقوق معلولین مصوب ۱۳۸۳ مورد توجه قرار گرفت. متعاقباً پس از نسخ قانون مذکور و تصویب قانون حمایت از معلولین مصوب ۱۳۹۷، پس از چندین سال قوه قضاییه در سال ۱۴۰۲ با تصویب یک بخشنامه موسوم به «دستور العمل نحوه حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت و سالمند در فرایند دادرسی» حقوق قضایی معلولین را مورد توجه قرار داد.

## ۲- حقوق معلولین بزهکار در حقوق کیفری شکلی

حقوق کیفری شکلی که از آن به آیین دادرسی کیفری نیز تعبیر شده است، مربوط به تشریفات رسیدگی به جرم می باشد. دادرسی کیفری شامل مراحل است که عبارتند از: کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و صدور حکم و اجرای مجازات (ماده ۱ ق.آ.د.ک).<sup>۱</sup> هرکدام از این مراحل دارای قواعد و مقررات ویژه خود بوده که به بررسی آنها در خصوص معلولین بزهکار خواهیم پرداخت.

### ۲-۱- مرحله کشف جرم و حق داشتن ضابط متخصّص و آموزش دیده

اولین مرحله از مراحل دادرسی کیفری، کشف جرم می باشد. کشف جرم به عهده ضابطین دادگستری است (ماده ۲۸ ق.آ.د.ک)؛ بنابراین معمولاً اولین مقامی که فرد بزهکار با آن مواجه می گردد، ضابطین دادگستری می باشند. حق برخورداری از ضابط متخصّص و آموزش دیده، از جمله حقوق معلولین در مرحله کشف جرم است. امروزه ضرورت تخصّصی کردن ضابطان دادگستری بر اساس نوع جرائم ارتكابی و وضعیت بزهکار یا بزه

۱. قانون آیین دادرسی کیفری در طول تحقیق به اختصار ق.آ.د.ک. و قانون مجازات اسلامی نیز به اختصار ق.ا.م.

دیده، امری اجتناب ناپذیر است. از جمله افرادی که نیازمند ضابطین آموزش دیده و متخصص می باشند معلولان هستند. هرگونه برخورد غیر تخصصی و غیر منطقی در بازجویی و تحقیق از معلولین توسط پلیس می تواند موجب آلام روحی و جسمی آنان گردد. در همین راستا، وجود پلیس متخصص و آموزش دیده خصوصاً برای معلولین حسّی مانند ناشنویان لازم است. در قوانین و مقررات ایران به صراحت از لزوم وجود ضابط و پلیس آموزش دیده معلولین سخنی به میان نیامده است که این موضوع از نواقص و ایرادات وارده می باشد. لیکن از آنجا که نظارت و ریاست بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط برعهده دارند با دادستان است و دستور العمل حمایت از معلولین در دادرسی ۱۴۰۲، وظایف متعددی را برعهده دادستان در رابطه با معلولین نهاده است (مواد ۱۵ و ۱۷) می توان گفت یکی از وظایف دادستان، آموزش ضابطین در رابطه با حقوق معلولین می باشد. از سوی دیگر، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (بند ۲ ماده ۱۳) یکی از وظایف و تعهدات دولت ها را در رابطه با معلولین، آموزش افرادی می داند که در حوزه اجرای عدالت کار می کنند، از جمله پلیس و کارکنان زندان. بنابراین به طوری کلی می توان گفت با توجه به الحاق ایران به کنوانسیون موصوف، یکی از وظایف حکومت، ایجاد پلیس متخصص یا آموزش دیده در رابطه با حقوق معلولین می باشد.

## ۲-۲- مرحله تحقیقات مقدماتی

تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می شود (ماده ۹۰ ق.آ.د.ک). از اموری که در جریان تحقیقات مقدماتی صورت می گیرد بازجویی از متهمین می باشد.

### ۲-۲-۱- حضور بازپرس نزد متهم معلول جهت بازجویی

مقدمه انجام تحقیقات مقدماتی و بازجویی از شخص متهم آن است که برای حضور نزد بازپرس احضار شود. در واقع، نخستین اقدامی که در مورد متهم صورت می گیرد، احضار او برای تحقیق است. به موجب ماده ۱۷۹ ق.آ.د.ک. متهمی که بدون عذر موجه

نزد بازپرس حضور نیابد یا عذر موجه خود را اعلام نکند به دستور بازپرس جلب می شود. از تفکیک به عمل آمده در عبارت بدون عذر موجه حضور نیابد یا عذر موجه خود را اعلام نکند چنین پیداست که عذر موجه برای غیبت، مانع صدور دستور جلب است و اعلام آن به بازپرس توسط خود شخص متهم موضوعیت ندارد. جهات زیر عذر موجه محسوب می شود: الف- نرسیدن یا دیر رسیدن احضاریه به گونه ای که مانع حضور شود؛ ب- بیماری متهم و بیماری سخت والدین همسر یا اولاد او که مانع از حضور شود؛ پ- همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم فوت شود؛ ت- ابتلاء به حوادث مهم از قبیل بیماری های واگیردار و بروز حوادث قهری مانند سیل و زلزله که موجب غیر ممکن شدن تردد می شود؛ ح- سایر مواردی که عرفاً به تشخیص بازپرس عذر موجه محسوب می شود (ماده ۱۷۸ ق.آ.د.ک). طبق ماده ۱۸۷ ق.آ.د.ک: «هرگاه شخصی که دستور احضار یا جلب او داده شده به علت بیماری، کهولت سن یا معاذیری که بازپرس موجه تشخیص می دهد نتواند نزد بازپرس حاضر شود در صورت اهمیت و فوریت امر کیفری و امکان انجام تحقیقات بازپرس نزد او می رود و تحقیقات لازم را به عمل می آورد». چنان که ملاحظه می شود قانونگذار در مرحله احضار به دادرسی به حقوق فرد و سلامت جسمی و روحی وی توجه داشته و به او مجوز حاضر نشدن نزد مقام قضایی را اعطا کرده است.

با توجه به مواد ۱۷۸ و ۱۸۷ ق.آ.د.ک. ابتلاء به بیماری، ابتلاء به حوادث مهم و داشتن معاذیر موجه، از موارد عذر موجه جهت عدم حضور و عدم امکان جلب می باشد. معلولیت حسب مورد می تواند از مصادیق بیماری و معاذیر موجه باشد که می تواند موجب عدم جلب متهم و حضور بازپرس نزد وی جهت انجام تحقیقات گردد. در قانون، این امر که بازپرس ملزم باشد تا رفع عذر صبر کند مسکوت مانده که می توان گفت در صورت فقدان اهمیت و فوریت یا ممکن نبودن تحقیقات از متهم بیمار، بازپرس می تواند تا رفع مانع منتظر بماند.

## ۲-۲-۲- حق انجام تحقیقات در حالت سلامت جسمی و روانی

در حقوق ایران در جریان بازجویی، متهم از حقوقی مانند حق سکوت، برخورداری از مترجم، به همراه داشتن وکیل و ... برخوردار است. اما قانون به برخورداری متهم از «سلامت جسمی و روانی» در حین بازجویی اشاره ای نکرده است. قانونگذار در خصوص بازجویی از کودکان و زنان به دلیل آسیب پذیر بودن آنها مقررات خاصی وضع کرده، ولی به حقوق معلولین و بیماران که حتی ممکن است نسبت به اطفال و زنان آسیب پذیرتر باشند توجهی نداشته، که این موضوع از ایرادات وارد بر قانون است. شایسته بود که قانونگذار مقام تحقیق را مکلف می کرد در حین تحقیق و بازجویی از متهم وضعیت جسمی و روانی او را در نظر بگیرد (غلامی، ۱۳۸۹: ۲۴) و در مواردی که لازم است بازجویی به تأخیر افتاده و یا با حضور کارشناس و پزشک متخصص انجام شود.

تنها موردی که قانونگذار به بحث سلامت متهم در حین بازجویی اشاره کرده، ابتلاء متهم به بیماری روانی جنون است. در این خصوص، مقنن در تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک. مقرر می دارد: «هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلاء به جنون شود تا زمان افاقه تعقیب و دادرسی متوقف می شود مگر آن که در جرائم حق الناسی شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند.» براساس ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی نیز هرگاه مرتکب جرم در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم و قبل از صدور حکم قطعی مبتلاء به جنون شود، چنان چه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص ثابت و آزاد بودن او محل نظم و امنیت عمومی باشد، به دستور دادستان تارفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می شود. تبصره ۱ ماده مرقوم نیز مقرر می دارد: در صورت عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی در حدودی که جنبه حق الهی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می افتد. نسبت به مجازات هایی که جنبه حق الناسی دارد مانند قصاص و دیه، جنون مانع تعقیب و رسیدگی نیست.

بر مواد قانونی مذکور چندین ایراد به شرح ذیل وارد است: نخست آن که، قانونگذار صرفاً از میان بیماری های روانی فقط به جنون اشاره کرده در حالی که طیف بیماری های روانی وسیع بوده و بیماری های دیگری نیز هستند که بر روی قوای تعقل و تفکر فرد تأثیر می گذارند، اگرچه ذیل عنوان جنون قرار نگیرند. بنابراین مناسب بود که مقنن به جای استفاده از واژه جنون، به بیماری های جسمی یا روانی که موجب اختلال در اراده یا قوه تمیز می شوند اشاره می داشت. دوم آن که، قانونگذار عارض شدن جنون را در جرائم حق الناسی، مانع توقف تعقیب ندانسته که این امر، بیانگر حاکمیت اماره مجرمیت بر اصل برائت است (آشوری و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۱۸). سوم آن که، جرائم حق الناسی طیفی وسیعی از جرائم را مانند جرائم مستوجب مجازات قصاص و دیه در بر می گیرد. انجام تحقیقات مقدماتی در این دسته از جرائم با وصف ابتلای متهم به جنون صحیح نیست. هرچند قانونگذار انجام تحقیقات را منوط به شروطی کرده، اما با این حال، باید توجه داشت که نتیجه تحقیقات مقدماتی می بایست یقین آور باشد و با شک و شبهه نمی توان فردی را متهم و محکوم کرد (بسامی، ۱۴۰۰: ۲۲۰).

### ۳-۲-۲- حق برخورداری از قیّم با هماهنگی سازمان بهزیستی

بر اساس مقررات قانون مدنی (ماده ۱۲۱۸) صرفاً برای محجورین قیّم تعیین می شود. مطابق ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی، محجورین شامل مجانین، صغار و افراد غیر رشید (سفیه) می باشد. از میان محجورین فقط مجانین و افراد غیر رشید هستند که به دلیل ضایعه عقلی، ذیل عنوان معلولین قرار می گیرند. مجانین که فاقد قوه تعقل بوده و افراد غیر رشید نیز یکی از مصادیق عقب ماندگان ذهنی با بهره هوشی بین ۲۶ تا ۷۰ هستند که توانایی آنان در سنین گوناگون همسطح کودکان ۲ تا ۷ سال است (احمدی، ۱۳۸۳: ۲۰۲). بنابراین از حیث قانونی در نظام حقوقی ایران برای تمام معلولین قیّم نصب نمی شود و فقط برای معلول محجور، قیّم تعیین می گردد.

به طور کلی می توان گفت از حیث حقوقی، دو نوع معلول وجود دارد: معلولی که محجور است و معلولی که محجور نیست. قانون حمایت از معلولان، توسعه ای برای نصب

قیم برای افراد معلول غیر محجور انجام نداده است و برای آنها با احراز شرایط قانون امور حسبی صرفاً می‌توان امین نصب کرد.

تعیین قیمت برای افراد معلول دارای شرایط قانون مدنی، از نظر شکلی باید با هماهنگی سازمان بهزیستی کشور صورت پذیرد. در این خصوص، قانون حمایت از معلولین ۱۳۹۷ در ماده ۲۲ مقرر می‌دارد: مراجع قضایی مکلفند چنان چه افراد دارای معلولیت به قیمت نیازمند باشند، هنگام نصب قیمت، نظر مشورتی سازمان را اخذ کنند. از سوی دیگر، شق دوم ماده ۲۲ مذکور مقرر می‌دارد: در مواردی که فرد واجد شرایطی برای پذیرش قیمومیت وجود نداشته باشد یا این سمت را نپذیرد دادگاه سازمان را به عنوان قیمت تعیین می‌کند. همچنین مطابق ماده واحده قانون «واگذاری قیمومیت محجوران تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور به سازمان مذکور تا زمان تعیین قیمت توسط دادگاه» مصوب ۱۳۷۶ مقرر می‌دارد: تا زمانی که دادگاه فرد معینی را به عنوان قیمت نصب نکرده در موارد ضروری رئیس دادگستری محل می‌تواند رئیس سازمان بهزیستی کشور و مدیران کل و رؤسای ادارات بهزیستی محل را با حق توکیل به غیر موقتاً به عنوان نمایندگی قانونی محجورین با اختیارات و مسئولیت‌های قیمت منصوب نماید.<sup>۱</sup>

نکته ای که در اینجا قابل ذکر می‌باشد این است که قانون «واگذاری قیمومیت محجوران تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور به سازمان مذکور ...» مصوب ۱۳۷۶، برخلاف آن چه از عنوان قانون برمی‌آید، واگذاری قیمومیت موقت به مدیران کل و رؤسای ادارات بهزیستی محل را پیش‌بینی کرده و از قیمومیت سازمان به عنوان شخص حقوقی سخن نگفته است (صفایی، ۱۳۷۸: ۳۹). لیکن ماده ۲۲ قانون حمایت از معلولین

۱. در توضیح ماده مذکور بیان می‌دارد: ۱- رئیس دادگستری محل می‌تواند رئیس سازمان بهزیستی، یا یکی از مدیران کل یا رؤسای ادارات آن را برای اداره امور محجور تعیین کند؛ ۲- سمت این شخص موقت است یعنی تا زمانی که دادگاه نصب قیمت نکرده است؛ ۳- این شخص نماینده قانونی محجور و دارای اختیارات و مسئولیت مالی قانونی قیمت است. بنابراین می‌توان او را قیمت موقت نامید؛ ۴- این شخص دارای حق توکیل به غیر است، یعنی می‌تواند شخص دیگری را به عنوان وکیل خود جهت اداره امور محجور تعیین کند؛ ۵- تعیین چنین شخصی به عنوان قیمت، منحصر به موارد ضروری است (صفایی، ۱۳۷۸: ۴۳).

مصوب ۱۳۹۷ به صراحت به تعیین سازمان بهزیستی به عنوان قِیم اشاره کرده است. در جمع دو مصوبه قانونی مذکور می توان گفت تا زمانی که برای معلول محجوری قِیم تعیین نشده باشد دادگاه می تواند هم خود سازمان را به عنوان شخص حقوقی به سمت قِیم تعیین نماید و هم پرسنل سازمان همچون رئیس اداره را.

همچنین ماده ۱۸ دستور العمل حمایت از معلولان ۱۴۰۲ مقرر می دارد: واحدهای قضایی در مواجهه با افراد مشمول، مکلف به حداقل یکی از اقدامات ذیل هستند: بند الف- همکاری با سازمان بهزیستی برای تعیین قِیم موقت یا اتفاقی برای افراد مشمول محجور، حسب مورد با شرایط مقرر در قانون واگذاری قیومیت محجوران تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور به سازمان مذکور تا زمان تعیین قِیم توسط دادگاه مصوب ۱۳۷۶ یا در حدود ماده ۷۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲<sup>۱</sup>.

اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۹۸/۱۱۹۳ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۵ در باب تعیین قِیم برای معلولین چنین اظهار داشته است: «... در خصوص معلولین مشمول ماده ۲۲ مذکور، سازمان بهزیستی نظر مشورتی خود را در ارتباط با امر قیومت معلول مستقیماً به دادگاه اعلام می کند و دادگاه با لحاظ عمومات حسب مورد نسبت به تعیین فرد معرفی شده از سوی دادستان و یا در صورت احراز انطباق موضوع با ذیل ماده ۲۲ یاد شده، تعیین سازمان بهزیستی به عنوان قِیم اقدام می کند. بدیهی است عمومات راجع به تعیین قِیم از جمله نقش دادستان در خصوص معرفی فرد واجد صلاحیت، لازم الرعایه است. - هر چند وفق بند «الف» ماده یک یاد شده، معلولان دارای اختلال جسمی و حسی (بینایی، شنوایی) با رعایت دیگر شرایط مذکور در این بند نیز مشمول قانون قرار می گیرند، اما این امر به معنی تکلیف مراجع قضایی به نصب قِیم برای تمام این افراد نمی باشد و همان گونه که در ماده ۲۲ نیز تصریح شده است، چنانچه معلولان موضوع این قانون به قِیم نیازمند باشند، مراجع قضایی باید نظر مشورتی سازمان بهزیستی را اخذ و در صورت فقدان فرد واجد شرایط و یا عدم پذیرش سمت قیومت توسط چنین فردی، سازمان بهزیستی را به عنوان

۱. ماده ۷۰ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ راجع به تعیین قِیم موقت برای بزه دیده محجور می باشد که از بحث ما خارج است.

قیم نصب نمایند؛ بنابراین رعایت مقررات عام قانون مدنی در موارد نصب قِیم از جمله مواد ۱۲۰۷، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱ و ۱۲۱۸ این قانون ضروری است و به صرف معلول جسمی یا حسی بودن فرد نمی‌توان برای وی نصب قِیم نمود. بنابراین، در خصوص این عده از معلولان در صورتی که مشمول حکم مقرر در ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی قرار گیرند، دادستان وفق مقررات عام فوق‌الذکر اقدام می‌نماید...»

حضور و مداخله قِیم معلول بزهکار در دادرسی کیفری اشکال مختلفی می‌تواند داشته باشد. به عنوان نمونه، چنان چه معلول بزهکار از زمره محجورین بوده و دارای قِیم باشد و مقام قضایی برای او قرار تأمین مالی مانند وجه التزام یا وثیقه صادر نماید با توجه به ممنوعیت محجور از تصرف در اموالش، نیاز است که تودیع وثیقه و وجه التزام توسط قِیم صورت گیرد. همچنین چنان چه فرد معلول مرتکب جرمی گردد که مستوجب مجازات مالی (دیه، جزای نقدی و...) باشد تأدیه آن با قِیم یا ولی او خواهد بود. در این رابطه، از اداره حقوقی قوه قضاییه به شرح ذیل استعلامی صورت گرفته است:

استعلام- در مواردی که محکوم علیه به پرداخت دیه در حق شاکی محکوم می‌شود و حسب نظریه پزشکی قانونی در روند اجرای حکم صادره محکوم علیه مبتلا به عقب ماندگی ذهنی متصل به صغر و ناتوان از اداره امور مهم مالی تشخیص داده شود و در عین حال، مجنون نیز نباشد و توانایی تحمل کیفر حبس را نداشته باشد، با توجه به مطالبه دیه توسط شاکی و عدم شناسایی و توقیف اموال از محکوم علیه و درخواست شاکی مبنی بر جلب محکوم علیه و اعمال ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی، نظر به این که محکوم علیه مالی ندارد و تحمل حبس را نیز فاقد است، در راستای احقاق حق شاکی چه اقدامی می‌توان انجام داد؟

اداره مذکور در نظریه شماره ۷/۹۸/۱۶۴۳ مورخ ۱۳۹۹/۰۱/۳۰ چنین پاسخ داده است: «اولاً، از آنجا که سفیه از مداخله در امور مالی خود ممنوع و فاقد اهلیت قانونی برای پرداخت محکوم به است، پرداخت محکوم به از اموال محکوم علیه (سفیه) بر عهده ولی یا سرپرست قانونی وی است؛ بنابراین ممتنع از پرداخت محسوب نمی‌شود و از این حیث

بازداشت سفیه به استناد ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴ فاقد موجب قانونی است؛ لذا چنان چه محکوم علیه فرض سؤال که دارای عقب ماندگی ذهنی است به تشخیص مرجع رسیدگی کننده سفیه تلقی شود، اعمال ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴ نسبت به وی قانوناً امکان پذیر نخواهد بود...»

#### ۴-۲-۲- حق برخورداری از وکیل معاضدتی و رایگان

حق برخورداری از وکیل از مهم ترین اصول دادرسی عادلانه در محاکم داخلی و بین المللی می باشد. این حق لازمه حق دیگری است که در اسناد حقوق بشری، «حق دفاع» نامیده می شود. مطابق اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در همه دادگاه ها، طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. از جمله گروه های نیازمند وکیل در دادرسی معلولین می باشند. معلولان به دلیل وضعیت خاصشان به ویژه آنهایی که دچار ناتوانی ذهنی و روانی هستند، ممکن است از یک سو، قدرت دفاع از حق خود را به نحوه مطلوب نداشته و از سوی دیگر، توانایی مالی لازم جهت اخذ وکیل را نداشته باشند. لذا اخذ وکیل معاضدتی و رایگان برای آنها در صورت وجود پرونده قضایی، از ضروری ترین حقوق آنها محسوب می شود. با توجه به این موضوع، تبصره ۱ ماده ۱۳ قانون جامع حمایت از معلولان ۱۳۸۳ به صراحت مقرر داشته بود: «سازمان بهزیستی کشور موظف است جهت دفاع از حقوق افراد معلول، در محاکم قضایی وکیل تعیین نموده و به دادگاه مربوطه معرفی کند.» ماده ۲۳ دستور العمل نحوه حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت و سالمند در فرایند دادرسی ۱۴۰۲، حکمی مشابه حکم قانون سابق داشته و مقرر می دارد: نهادهای حمایتی برای دفاع از حقوق اشخاص دارای معلولیت تحت پوشش آنها در مراجع قضایی یا شبه قضایی با درخواست فرد دارای معلولیت یا دستور مرجع قضایی، تمهیدات لازم را برای معرفی وکیل معاضدتی، معمول می دارند و یا در معرفی وکلای متخصص ارشاد لازم را به متقاضی ارائه می کنند. این امر، حسب مورد مانع استفاده از وکیل معاضدتی یا تسخیری با وجود شرایط قانونی مندرج در قانون آیین

دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ و قانون آیین دادرسی کیفری نیست.<sup>۱</sup>

### ۵-۲-۲- حق داشتن نماینده در جلسات دادرسی

موضوع نمایندگی معلولان یک اقدام حمایتی است. قاعدتاً فرد معلولی که قیّم یا ولیّ دارد انجام امور حقوقی مربوط به وی و در واقع نمایندگی او با قیّم است. با این حال، بسیاری از معلولین قیّم یا ولیّ ندارند و از سویی نیازمند کمک هستند. در این حالت، تعیین فرد یا سازمانی به عنوان نماینده معلول جهت حضور در مراجع مختلف از جمله مرجع قضایی و پیگیری برخی از امور معلولین، مفید به حال آنها خواهد بود. در ماده ۸ آیین نامه ماده ۱۳ قانون جامع حمایت از معلولین ۱۳۸۳ آمده بود: سازمان بهزیستی مجاز است در موارد ضروری به نمایندگی از معلولین طرح دعوا کند. در ماده ۲۳ قانون حمایت از معلولین ۱۳۹۷ آمده است: «سازمان می تواند حسب درخواست فرد دارای معلولیت یا قیّم وی (حسب مورد) در پرونده هایی که حقّ فرد دارای معلولیت، به دلیل معلولیت مورد تعرّض قرار گرفته یا چنین ادعایی مطرح است، در صورتی که ادعای مزبور مورد تأیید سازمان باشد به عنوان نماینده وی در دادگاه مربوطه، شرکت نماید.» در توضیح باید اظهارداشت اولاً، شرکت به عنوان نماینده معلول در دادگاه امری مجزاً و متفاوت از حضور فردی به عنوان وکیل معلول در دادگاه می باشد، چراکه وظایف و اختیارات و مسئولیت وکیل با نماینده متفاوت است. ثانیاً، با توجه به متن ماده مرقوم، حضور نماینده سازمان بهزیستی صرفاً برای معلولان بزه دیده پیش بینی شده است، لیکن معلولین بزهکار از چنین حقّی محروم هستند. این موضوع از ایرادات وارد بر قانون می باشد، چراکه آن

۱. طبق تبصره ۸ ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی ماده ۱۳ قانون جامع حمایت از معلولان مقرر می داشت: کانون های وکلای دادگستری در سراسر کشور و نیز مرکز مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضاییه موظف بودند بر اساس درخواست سازمان بهزیستی کشور و ادارات تابع آن در سراسر کشور نسبت به تعیین وکیل معاضدتی مورد نیاز افراد معلول اقدام کنند. چنین تکلیف و الزامی برای کانون های وکلا در دستورالعمل ۱۴۰۲ قوه قضاییه پیش بینی نشده است.

چه منشأ حمایت از افراد معلول هست کم توانی و معلولیت می باشد و در این وصف، معلول بزهکار و بزه دیده مشترکند؛ بنابراین لازم است برای تأمین هرچه بهتر حقوق معلولین، ماده قانونی مرقوم، اصلاح و دایره حضور نماینده جهت دفاع از حقوق معلولان گسترده تر گردد و شامل کلیه معلولین اعم از بزهکار و بزه دیده شود.

### ۶-۲-۲- حق داشتن مترجم و خبره در دادرسی

برخی از معلولین مانند افراد ناشنوا و لال جهت دفاع از حقوق خود در مراحل دادرسی به یک فرد کارشناس و متخصص نیاز دارند. بر همین اساس، در ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ این نوع حمایت از معلولین پیش بینی شده است. ماده ۲۰۱ قانون مذکور مقرر می دارد: «بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلعی که ناشنوا است یا قدرت تکلم ندارد، فرد مورد وثوقی که توانایی بیان مقصود را از طریق اشاره یا وسایل فنی دیگر دارد، به عنوان مترجم انتخاب می کند.» ماده ۳۶۸ ق.آ.د.ک. مشابه حکم مذکور را در مرحله رسیدگی در دادگاه بیان داشته است. البته ایراد مواد مرقوم این است که مقنن گستره ماده را فقط به افراد ناشنوا و لال محدود کرده است. مضاف بر مواد مرقوم، ماده ۶ دستورالعمل نحوه حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت و سالمند در فرایند دادرسی مقرر می دارد؛ قوه قضاییه به منظور دسترسی برابر به عدالت و دادرسی منصفانه عند اللزوم تمهیداتی به شرح زیر برای اشخاص دارای معلولیت و سالمند فراهم می کند:

الف- پیش بینی مترجم رسمی زبان اشاره یا در صورت فقدان مترجم رسمی، کارشناس معتمد و مسلط به زبان اشاره فارسی (مترجم) برای ناشنویان و در صورت عدم آشنایی فرد موصوف با زبان فارسی، کارشناس آشنا به زبان اشاره مرتبط با زبان محلی برای افراد دارای اختلال شنوایی و بینایی؛ ب- پیش بینی فرد معتمد برای نابینایان جهت برقراری ارتباط کلامی صحیح در جلسه رسیدگی برای اشخاص دارای اختلال گفتاری؛ پ- تأمین فناوری های کمکی در زمینه وسایل نوشتاری برای نابینایان از جمله درشت نما، رایانه و وسایل کمک شنوایی ارتباطی برای کم شنوایان؛ ت- پیش بینی حضور یک روانشناس یا روانپزشک در مورد اشخاص دارای معلولیت روانی و ذهنی و مانند آن.

## ۷-۲-۲- حق سپردن تأمین کیفری متناسب

در جریان تحقیقات مقدماتی لازم است مرجع تحقیق تصمیماتی را برای پیشبرد روند تحقیقات اتخاذ نماید. یکی از این تصمیمات، صدور قرار تأمین می باشد. اخذ تأمین از متهم از یک سو با اصل برائت در تضاد است؛ چراکه اصل برائت اقتضا دارد تا تعیین تکلیف قطعی اتهام وارده به شهروندان، هیچگونه محدودیتی نسبت به اموال یا آزادی آنان وارد نشود. از سوی دیگر، ضرورت تحقیق و ممانعت از فرار و به ویژه جلوگیری از تضییع حقوق بزه دیدگان نیازمند این است که در پاره ای موارد، قبل از اعلام نظر قطعی قضایی، آزادی متهم سلب یا محدودیت‌ها و تعهداتی برای او فراهم شود (آشوری، ۱۳۸۰: ۱۳۳/۱). در حقوق کیفری ایران برای صدور قرار تأمین براساس ماده ۲۵۰ ق.آ.د.ک. شرایطی پیش بینی شده است. از جمله این که قرار صادره می بایست با نوع جرم و شدت مجازات و وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت متهم متناسب باشد. بنابراین، قاضی تحقیق در انتخاب نوع قرار اختیار نامحدود نداشته، بلکه ملزم به رعایت اصل تناسب تأمین است (خالقی، ۱۴۰۰: ۲۳۸). مطابق تبصره ماده ۲۵۰ ق.آ.د.ک. اخذ تأمین نامتناسب، تخلف محسوب شده و موجب محکومیت انتظامی درجه چهار به بالا است. چنان که ملاحظه می گردد یکی از معیارهای تناسب قرار تأمین، لحاظ نمود «وضعیت روحی و جسمی» متهم است. معلولیت و بیماری از مصادیق وضعیت خاص روحی و جسمی متهم می باشد؛ بنابراین مقام قضایی در صدور قرار تأمین باید وضعیت معلولیت و یا بیماری متهم را مدنظر داشته و حتی الامکان از صدور قرار تأمین سنگین که ممکن است به دلیل عجز فرد منجر به بازداشت وی گردد و نیز صدور قرار بازداشت موقت خودداری نماید (البته نوع معلولیت‌ها نیز با یکدیگر متفاوت می باشند؛ به عنوان مثال، وضعیت متهمی که فاقد یک دست است با متهمی که از هر دو پا فلج می باشد متفاوت است). با این حال، بعضی از جرائم از لحاظ نوع یا میزان مجازات و بیم فرار و تبانی متهم و ... ممکن است منجر به بازداشت متهم گردد. در این حالت می بایست از یک سو، بازداشتگاه متناسب معلولین تعبیه و طراحی شده باشد و از سوی دیگر، مقامات قضایی و

مسئولین بازداشتگاه بر محلّ نگهداری متّهم از لحاظ دسترسی به پزشک و شرایط و مکان بازداشتگاه نظارت بیشتری داشته باشند تا بازداشت، موجب وخیم شدن حال وی و عسر و حرج او نشود.

### ۳-۲- مرحله محاکمه (حقّ داشتن مرجع قضایی خاصّ)

گاه قانونگذار بنا به مصالح اجتماعی رسیدگی به جرائم معین یا جرائم ارتكابی توسط افراد معین را به مراجع قضایی اختصاصی واگذار نموده است که از جمله می توان به دادگاه اطفال و نوجوانان اشاره نمود. معلولین از اقشار ضعیف و آسیب پذیر جامعه بوده و همچنان که برای رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان دادگاه ویژه در نظر گرفته شده، شایسته است برای رسیدگی به جرائم معلولان نیز دادگاه خاصّ و ویژه ای با قضات آموزش دیده تعیین شود. وجود قضات آموزش دیده و آشنا با حقوق معلولین یا ایجاد دادگاه های خاصّ معلولین، لازمه رعایت دادرسی عادلانه و منصفانه برای این قشر از افراد جامعه است. در حال حاضر در نظام حقوقی ایران بحثی از دادگاه های خاصّ یا تخصصی برای معلولین وجود ندارد. لیکن ماده ۳۱ دستورالعمل نحوه حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت در دادرسی ۱۴۰۲ یکی از وظایف قوه قضاییه را آموزش قضات و کارمندان دستگاه قضاء با انواع معلولیت و نشانه های آن و نحوه تعامل با معلولین و آشنایی با حقوق معلولین، جهت رعایت دادرسی عادلانه دانسته است. این موضوع همان طور که در گفتار قبلی نیز بیان گردید در کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت پیش بینی گردیده است.

### ۳-۲-۱- حقّ دادرسی در فضای فیزیکی مناسب

برخی از معلولین خصوصاً معلولین حرکتی، قادر به تحرک راحت و آزادانه نیستند. به همین دلیل، مراجعه آنها به دستگاه عدالت کیفری از قبیل پلیس، دادسرا و دادگاه همواره با محدودیت ها و مشکلاتی مواجه است. بسیار مشاهده شده است که در مراجع قضایی به دلیل فقدان آسانسور و یا راه پله مخصوص معلولین، فرد معلول توسط همراهانش به دوش گرفته شده است که این موضوع، موجب ایذاء هر دو طرف را فراهم آورده است. بر همین اساس لازم است فضای مراجع مذکور طوری طراحی شود که برای افراد معلول به راحتی

امکان حضور و تردّد وجود داشته باشد. از این موضوع تحت عنوان «مناسب سازی» یاد می‌شود. در همین زمینه مواد ۲، ۱ و ۶ آیین نامه شماره ۱۱۸۶۰۰ مورخ ۱۳۹۸/۹/۱۷ موضوع ماده ۳ قانون حمایت از معلولان ۱۳۹۷، کلیه وزارتخانه ها و سازمان ها را موظف نموده در طراحی و تولید و احداث ساختمان‌ها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل نمایند که امکان دسترسی و بهره‌مندی از آنها برای افراد دارای معلولیت همچون سایر افراد فراهم گردد. دستورالعمل نحوه حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت در دادرسی ۱۴۰۲، نیز از چندین جهت بر رعایت حق مذکور توجّه داشته است که از جمله می‌توان به مناسب سازی فیزیکی مراجع قضایی و نهادهای وابسته به آن جهت تسهیل رفت و آمد و حضور معلولان برای اقامه دعوا و دفاع اشاره نمود (بند ب ماده ۵).

### ۲-۳-۲- حق برخورداری از تسریع در دادرسی

مراجعین به دستگاه قضاء اعم از شاکی و متهم انتظار دارند در اسرع وقت و کوتاه ترین زمان ممکن به دعاوی و اختلافات آنها رسیدگی شود. طولانی شدن دادرسی از معایب یک نظام دادرسی می‌باشد و آثار سوئی در جامعه و نیز بر اصحاب دعوا دارد که نسبت به افراد معلول و ناتوان مضاعف می‌باشد. به همین دلیل باید دعاوی مربوط افراد معلول و سایر ناتوانان به سرعت رسیدگی شود. خوشبختانه این موضوع در بند ۴ ماده ۱۲ کنوانسیون حمایت از حقوق افراد معلول و نیز در ماده ۱۰ دستور العمل مورد اشاره قرار گرفته است. ماده ۵ ق.آ.د.ک. نیز به طور کلی مقرر می‌دارد که متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی بهره‌مند شود.

۱. بند ۳ ماده ۱ آیین نامه شماره ۱۱۸۶۰۰ مورخ ۱۳۹۸/۹/۱۷ موضوع ماده ۳ قانون حمایت از معلولان ۱۳۹۷ مقرر می‌دارد: مناسب سازی مجموعه اقداماتی است در جهت اصلاح معابر، اماکن، ساختمان‌ها و فضاهای عمومی شهری و روستایی وسایل حمل و نقل ارتباط جمعی انجام می‌شود به طوری که افراد دارای معلولیت قادر باشند آزادانه و بدون خطر در محیط پیرامون خود حرکت و از تسهیلات محیطی با حفظ استقلال فردی و رعایت شأن و منزلت انسانی بهره‌مند شوند.

### ۳-۲- حق داشتن مرکز ارشاد و معاضدت قضایی

بند ۳ ماده ۱۲ کنوانسیون حمایت از حقوق معلولین ۲۰۰۶، یکی از وظایف دولت ها را اتخاذ تدابیر حمایتی برای معلولین می داند. می توان گفت یکی از مصادیق تدابیر حمایتی برای معلولین در دادرسی، تشکیل دایره ارشاد و معاضدت قضایی ویژه معلولان و ناتوانان است. ماده ۱۹ دستورالعمل نحوه حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت و سالمند در فرایند دادرسی ۱۴۰۲ یکی از وظایف دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان (موضوع قانون اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹) را ارائه مشاوره معاضدت های حقوقی برای اطفال و نوجوانان معلول و کم توان بزه دیده یا در معرض خطر می داند. بر دستورالعمل موصوف، این اشکال وارد است که ارشاد و معاضدت قضایی را اولاً، خاص اطفال و نوجوانان معلول می داند و در خصوص بزرگسالان معلول چنین امری را پیش بینی ننموده است و ثانیاً، صرفاً برای طفل و نوجوان بزه دیده چنین حقی را منظور داشته است. لیکن ضرورت دارد که برای معلولین بزرگسال چه بزهکار باشند چه بزه دیده نیز چنین تدبیر حمایتی در نظر گرفته شود.

### ۳- حقوق معلولین بزهکار در حقوق کیفری ماهوی

حقوق کیفری ماهوی که از آن به حقوق جزا نیز تعبیر می شود مربوط تعیین جرائم و مجازات ها می باشد. در حقوق جزای ایران در مجازات های تعزیری، در نوع و میزان مجازات اصولاً هیچ تفاوتی بین معلولین و افراد غیر معلول وجود ندارد. با این حال، در حدود و قصاص بین مجازات های افراد معلول با دیگران تفاوت هایی وجود دارد.

#### ۳-۱- تفاوت در مجازات دربرخی جرائم مستوجب حد و قصاص

طبق ماده ۲۷۸ ق.ا.م.ا. ۱۳۹۲ مجازات جرم سرقت حدی در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن است، به طوری که انگشت شصت و کف دست باقی بماند و در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است، به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند. لیکن طبق تبصره ۱ ماده مذکور، هرگاه سارق، فاقد عضو متعلق قطع باشد، حسب مورد مشمول مجازات یکی از سرقت های تعزیری می شود. بنابر تبصره مذکور چنان چه سارق فاقد دست راست یا پا بوده باشد (معلول) مجازات

حدی قطع ساقط و به مجازات تعزیری حسب مورد حبس و شلاق محکوم می گردد، ولی اگر دست و پا داشته باشد، اما فلج و ناسالم باشند بریده می شوند (محقق حلی، ۱۳۸۶: ۴-۳/۴۷۹). در خصوص مجازات قصاص عضو نیز احکام مختلفی وجود دارد. در قصاص عضو، تساوی و برابری (مماثلت) محل عضو مورد قصاص با عضو مورد جنایت، شرط اجرای قصاص می باشد (ماده ۳۹۳ ق.م.ا. ۱۳۹۲)؛ بنابراین اگر شخصی گوش راست یا پای راست دیگری را قطع کند و خود جانی گوش و پای راست نداشته باشد (معلول) قصاص عضو ساقط و به دیه تبدیل می شود (شهید ثانی، ۱۳۸۴: ۱۴/۹۹-۱۰۰). تنها استثناء در این خصوص مربوط به دست راست می باشد. طبق تبصره ماده ۳۹۳ در صورتی که مجرم دست راست نداشته باشد، دست چپ او، و چنان چه دست چپ هم نداشته باشد، پای او قصاص می شود. حکم مذکور برخلاف اصل (یعنی لزوم مماثلت میان اعضای قصاص) است. دلیل حکم مذکور روایتی از امام باقر (ع) است (شهید ثانی، ۱۳۸۴: ۱۴/۹۹). اما چنان چه جانی دست یا هر عضو دیگر داشته باشد، لیکن ناسالم (فلج) یا ناقص باشد، این عضو در برابر عضو سالم مجنی علیه قصاص می شود (ماده ۳۹۵ ق.م.ا.). البته چنان چه عضو مرتکب ناقص باشد و عضو مجنی علیه کامل باشد، مرتکب علاوه بر قصاص باید ما به التفاوت دیه را بپردازد (ماده ۳۹۷ ق.م.ا.).

### ۲-۳- معافیت از مجازات در خصوص معلولین مبتلا به جنون

در حقوق کیفری ایران صرفاً معلولیت ذهنی و روانی آن هم در حد جنون رافع مسئولیت کیفری است و سایر بیماری های روحی و روانی و نیز معلولیت جسمی، رافع مسئولیت کیفری نیستند. ماده ۱۴۹ ق.م.ا. در این زمینه مقرر می دارد: «هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد مجنون محسوب می شود و مسئولیت کیفری ندارد.» در توضیح ماده مرقوم اذعان می دارد که حکم ماده صرفاً راجع به معلولین نمی باشد، بلکه شامل کلیه اشخاصی می شود که در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده و فاقد قوه تمیز باشند؛ اعم از آن که فرد معلول

بوده یا این که سابقه جنون و معلولیت نداشته، بلکه یکباره در زمان ارتکاب جرم، قوه تمیز خود را از دست داده باشد.

ماده ۳۰۸ ق.م.ا. در راستای حکم ماده ۱۴۹ ق.م.ا. شرط ثبوت مجازات قصاص را عاقل بودن مرتکب در زمان ارتکاب جنایت می داند و در صورت جنون مرتکب در زمان ارتکاب جنایت، قصاص ساقط می شود. در واقع جنایت ارتكابی توسط مجنون، عمدی لحاظ نشده و خطای محض محسوب می گردد (ماده ۲۹۲ ق.م.ا.) و مجازات جنایت خطا محض، دیه می باشد (ماده ۴۴۹ ق.م.ا.)؛ لیکن پرداخت دیه با عاقله فرد مجنون است (ماده ۴۶۳ ق.م.ا.). البته عاقله فقط مسئولیت پرداخت دیه قتل و جنایات بر عضو تا موضعه را عهده دار است. لذا چنان چه جنایت ارتكابی کمتر از موضعه باشد، عاقله مکلف به پرداخت دیه نیست، هر چند مرتکب مجنون باشد (ماده ۴۶۷ ق.م.ا.). اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷/۲۴۲۵ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۹ در این زمینه مقرر می دارد: «... مسئول دیه جنایات کمتر از موضعه وارده از سوی نابالغ یا مجنون خودشان هستند که توسط اولیاء و سرپرستان قانونی آنها از مال آنها پرداخت می شود.»

### ۳-۳- حق تخفیف مجازات های تعزیری

برخی از افراد معلول و کم توان قادر به پیش بینی عواقب کارهای خود نبوده و قادر به مخالفت با پاسخ های هیجانی نیستند. مهارت هوشی پائین برخی معلولین باعث می شود که نسبت به افراد عادی زودتر دستگیر شوند. افراد کم توان ذهنی گاه قربانی مسائلی می شوند که در جریان های بزهکارانه و فعالیت های جنایی در اختیار افراد باهوش بالاتر قرار گرفته و به صورت ابزاری برای رسیدن به اهداف آنها می باشند (خوش اندام و میرقادری، ۱۳۸۵: ۷-۸). با توجه به مباحث فوق، چنان چه فرد معلولی مورد پیگرد قانونی قرار گیرد در یک نظام دادرسی عادلانه، دادرس دادگاه در تعیین میزان مسئولیت او می بایست وضعیت ذهنی و جسمی او را مورد توجه قرار دهد.

در حقوق ایران، تنها مجازاتی که قابلیت تخفیف را دارد، مجازات تعزیری است که تعیین کمیّت و کیفیّت آنها به قاضی سپرده شده است. در همین راستا در حقوق ایران مانند سایر کشورها نهادی بنام تخفیف مجازات تأسیس گردیده است. از نهاد تخفیف مجازات

زمانی استفاده می شود که مجرم دارای جهات یا کیفیات مخفّفه مجازات باشد. کیفیات مخفّفه، موجبات و یا اوضاع و احوالی هستند که هرگاه با وقوع جرم قرین گردند و وجود آنها برای قاضی محرز گردد می تواند مجازات بزهکار را کاهش دهد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۴۴/۳). قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۳۸ جهات تخفیف مجازات را در مجازات های تعزیری در چندین بند تعیین نموده است. بند «ث» ماده مرقوم یکی از جهات تخفیف مجازات را «وضع خاصّ متّهم از قبیل کهولت یا بیماری» می داند. از آنجا که قید «بیماری متّهم» در بند ث ماده ۳۸ مطلق بوده و مقنّن بیماری را محدود به مورد خاصّ یا حالت خاصّ نکرده است، این اطلاق قابلیت و ظرفیت شمول بر بعضی معلولین را دارد. حتی اگر نتوان برخی از انواع معلولیت را از مصادیق بیماری دانست با توجه به عبارت «وضع خاصّ متّهم» و ذکر نمونه های تمثیلی آن مانند کهولت سنّ و بیماری که مصداق کم توانی و آسیب پذیری است، از آنجا که معلولین نیز افراد کم توان و ضعیف هستند، بنابراین معلولیت از مصادیق وضع خاصّ بوده و معلولین از موجبات تخفیف مجازات برخوردار می باشند.

رویه قضایی نیز معلولیت را از موجبات تخفیف مجازات می داند. به عنوان نمونه شعبه ۱۰۸۸ دادگاه عمومی جزائی تهران در یکی از آراء خود به تاریخ ۱۳۹۱/۰۵/۱۵ مقرر داشته است: در خصوص اتهام الف. فرزند د. مبنی بر حمل و نگهداری مشروبات الکلی با عنایت به جمیع محتویات پرونده، بزهکاریش محرز و مسلم است، فلذا به استناد مواد ۷۰۲ و ۲۲ قانون مجازات اسلامی و لحاظ وضع خاصّ وی (معلولیت حرکتی) حکم محکومیت وی به پرداخت دو فقره پنج میلیون ریال (ده میلیون ریال) جزای نقدی بدل از حبس و شلّاق به انضمام پرداخت مبلغ بیست و هفت میلیون ریال (۲۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال) جزای نقدی معادل پنج برابر ارزش تجاری (عرفی) مشروبات مکشوفه در حقّ صندوق دولت صادر و اعلام می گردد. ایام بازداشت قبلی وی محاسبه و منظور گردد و مشروبات مکشوفه نیز معدوم شوند. دادنامه مذکور توسط شعبه ۵۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران تأیید گردیده است (مندرج در سامانه ملی آرا قضایی: <https://ara.jri.ac.ir>).

نکته ای که باید به آن اشاره نمود این است که تخفیف مجازات امری اختیاری و در اختیار مقام قضایی است؛ بنابراین این امکان وجود دارد که حتی در صورت معلولیت مرتکب جرم، دادگاه مجازات وی را تخفیف ندهد. با این حال، طبق بند الف و ت ماده ۱۸ ق.م.ا. دادگاه در صدور حکم تعزیری، باید وضعیت ذهنی و روانی مرتکب در حین ارتکاب جرم و سوابق و وضعیت فردی او را مورد توجه قرار دهد. بنابراین دادگاه نمی تواند بدون توجه به معلولیت مرتکب، برای وی تعیین مجازات نماید. همچنین تبصره ماده ۱۸، صدور حکم به بیش از حداقل مجازات حبس را ممنوع نموده است، مگر آن که جهات قانونی تشدید مجازات (مانند تعدد جرم) وجود داشته باشد. از جمع حکم ماده ۱۸ و تبصره آن چنین نتیجه گرفته می شود که چنان چه مرتکب جرم فرد معلولی باشد دادگاه می بایست این وضعیت او را در صدور حکم به مجازات حبس لحاظ نموده و بیش از حداقل مجازات حبس جرم ارتکابی برای او تعیین ننماید، مگر آن که کیفیات مشدده مجازات وجود داشته باشد. البته حتی اگر مجازات جرم ارتکابی حبس نباشد - مثلاً شلاق یا جزای نقدی باشد - طبق ماده ۱۸ دادگاه باید وضعیت فردی و ذهنی و روانی مرتکب را در صدور حکم به مجازات های مذکور لحاظ نماید.

### ۳-۴- حق استفاده از جایگزین های حبس

یکی از انواع مجازات های سالب آزادی، مجازات زندان است. زندان با هدف اصلاح و محافظت اجتماعی و محدود کردن متخلف ایجاد شده است. با این وجود، تحقیقات نشان می دهد مجازات حبس چندان در اصلاح و بازپروری زندانیان موفق نبوده، بلکه به طرد بیشتر مجرمان از جامعه و انس گرفتن بیش از پیش آنان به محیط مجرمانه منجر شده است. به همین دلیل، استفاده از جایگزین های حبس مورد توجه دست اندرکاران نظام عدالت کیفری قرار گرفته است. در نظام حقوقی ایران، مقنن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجازات های جایگزین حبس مانند خدمات عمومی رایگان، محرومیت از حقوق اجتماعی، جزای نقدی روزانه و ... را پیش بینی نموده است. البته قانونگذار برای برخورداری از مجازات جایگزین حبس شرایطی را در نظر گرفته است. طبق ماده ۶۴ ق.م.ا. یکی از شرایط صدور حکم به مجازات جایگزین حبس وجود «جهات تخفیف مجازات

و لحاظ وضعیت مجرم» می باشد. همان طور که ذکر گردید یکی از جهات تخفیف مجازات «وضع خاص متهم» بود که از مصادیق آن می توان به معلول بودن متهم و مجرم اشاره کرد. با توجه به حکم مقرر در ماده مرقوم و موارد پیش گفته شده می توان گفت معلول بودن بزهکار در کنار وجود سایر شرایط می تواند از موجبات صدور حکم به مجازات جایگزین حبس باشد. لیکن ضروری بود قانونگذار در خصوص معلولان بزهکار، به صراحت به استحقاق آنها در استفاده از مجازات جایگزین حبس و نیز به تکلیف مقام قضایی به صدور حکم به جایگزین های حبس در مورد آنان اشاره می داشت. خوشبختانه استفاده از مجازات های جایگزین حبس برای افراد معلول به صراحت در دستورالعمل نحوه حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت در دادرسی ۱۴۰۲ مورد اشاره قرار گرفته است. مواد ۲۰ و ۲۸ دستورالعمل بیان می دارند: دادگاه مجازات فرد معلول را با اولویت مجازات جایگزین حبس تعیین می نماید.

یکی از مصادیق مجازات های جایگزین زندان، «حبس خانگی» می باشد. حبس خانگی ضمانت اجرای بینابینی است که نظارت و مجازاتی بیش از تعلیق مراقبتی و مجازاتی کمتر از زندان را در نظر دارد (وزیری و حسینی، ۱۳۹۸: ۱۷). متأسفانه این نوع مجازات جایگزین، در قوانین ما مورد اشاره قرار نگرفته<sup>۱</sup> که لازم است خصوصاً برای معلولین مورد توجه قانونگذار قرار گیرد.

### ۵-۳- مرحله اجرای مجازات

مرحله اجرای مجازات طبق ماده ۱ ق.آ.دک. جزو فرآیند دادرسی کیفری و به تعبیر دیگر، حقوق کیفری شکلی است. با این حال، جهت رعایت توالی مباحث از آنجا که بعد از صدور حکم و تعیین مجازات نوبت به اجرای آن می رسد، ذیل حقوق کیفری ماهوی بحث شده است.

۱. تنها اشاره ای که قانون داشته است «اقامت اجباری در محل معین» می باشد که یکی از مصادیق مجازات های تکمیلی است که با حبس خانگی ماهیتاً و حکماً متفاوت می باشد.

### ۱-۵-۳- حق تأخیر و تعویق در اجرای مجازات

گاهی ممکن است به دلایلی در مجازات فرد معلول تخفیف داده نشود یا آن که فرد مجرم در زمان تعیین مجازات معلول نبوده تا مستوجب تخفیف مجازات باشد، ولی در زمان اجرای مجازات دچار معلولیت شود. در چنین وضعیتی ممکن است اجرای مجازات بر فرد معلول باعث وخامت حال وی و تشدید بیماری وی گردد که این امر مدّ نظر شارع و قانونگذار نمی باشد. پس در چنین وضعیتی لازم است مجازات فرد معلول به تأخیر افتاده یا به مجازات مناسب دیگری تبدیل گردد. بر همین اساس، در ماده ۵۰۲ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ آمده است: «هرگاه محکوم علیه به بیماری جسمی یا روانی مبتلا باشد و اجرای مجازات موجب تشدید بیماری و یا تأخیر در بهبودی وی شود، قاضی اجرای احکام کیفری با کسب نظر پزشکی قانونی تا زمان بهبودی، اجرای مجازات را به تعویق می اندازد. چنان چه در جرائم تعزیری امیدی به بهبودی بیمار نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری پس از احراز بیماری محکوم علیه و مانع بودن آن برای اعمال مجازات، با ذکر دلیل پرونده را برای تبدیل به مجازات مناسب دیگر با در نظر گرفتن نوع بیماری و مجازات به مرجع صادر کننده رأی قطعی ارسال می کند». بر اساس ماده مذکور، آن چه موجب تعویق یا تبدیل مجازات است بیماری محکوم علیه می باشد؛ از این رو بنا به ظاهر ماده، معلولیت از موجبات تعویق و یا تبدیل مجازات نیست مگر آن که معلولیت از نوع بیماری باشد. البته هر نوع بیماری نیز مدّ نظر نبوده بلکه بیماری ای که اجرای مجازات باعث تشدید آن یا تأخیر در بهبودی آن گردد. بنابراین می توان گفت امکان اجرای مجازات بر معلولین وجود دارد، مگر آن که معلولیت از مصادیق بیماری باشد. این انتقاد بر ماده مذکور وارد است که صرفاً از «بیماری» نام برده است بلکه لازم بود که قانونگذار در کنار واژه بیماری از واژه «ناتوانی» نیز نام می برد تا در تعویق یا تبدیل مجازات بر سایر افراد ناتوان مانند معلولین و سالمندان، تردیدی باقی نمی ماند. با این حال، این نقص در آیین نامه های صادره از سوی قوه قضاییه تا حدودی برطرف شده است. به عنوان نمونه، در خصوص مجازات حبس در تبصره ۱ ماده ۶۰ آیین نامه سازمان زندان ها مصوب ۱۴۰۰ آمده است: «هرگاه بنا بر نتایج بررسی ها و مستندات به دست آمده، برای پزشک یا روانشناس مؤسسه، مشخص گردد که زندانی

دارای ناتوانی، بیماری جسمی یا روانی است و نگهداری زندانی ناتوان در محیط مؤسسه، همراه با مخاطرات جسمی و روانی برای او یا دیگر زندانیان باشد یا شرایط مناسب و ایمن برای اقامت زندانی ناتوان فراهم نباشد و یا حبس موجب تشدید و یا تأخیر در بهبودی بیماری زندانی می‌گردد و یا چنان چه بیماری به نحوی است که مانع اجرای حبس باشد و مداوای زندانی در خارج از مؤسسه ضروری بوده یا امیدی به بهبودی بیمار نباشد، مراتب فوراً به رئیس مؤسسه اعلام می‌گردد تا در اسرع وقت به قاضی اجرا و مرجع قضایی مربوط گزارش شود و مطابق مقررات مواد ۵۰۲ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری اتخاذ تصمیم و اقدام مقتضی صورت گیرد.» همچنین در خصوص مجازات شلاق نیز ماده ۱۳۰ آیین نامه نحوه اجرای احکام، مورخ ۱۳۹۸، ۳، ۲۷ مقرر می‌دارد: «قاضی اجرای احکام کیفری در صورت ادعای محکوم دایر بر وجود مانع پزشکی برای اجرای مجازات شلاق او را به پزشکی قانونی معرفی می‌کند. هرگاه به تشخیص پزشکی قانونی امید به رفع مانع باشد تا زمان بهبودی اجرای مجازات شلاق به تعویق می‌افتد و در غیر این صورت، در شلاق تعزیری وفق ماده ۵۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری تبدیل به مجازات دیگر عمل می‌شود و در شلاق حدی به دستور دادگاه با یک دسته ترکه یا شلاق (ضعف) که به تعداد ضربات حد است فقط یک بار به محکوم زده می‌شود؛ هرچند همه آنها به بدن او نرسد.»

در باب مجازات های حدی مطلب قابل ذکر این است که پیامبر وائمه(ع) اهتمام ویژه ای بر اقامه حدود داشته و تأخیر در اجرای آن را جایز نمی‌دانستند. با این وجود، در قضاوت های آنها مواردی ملاحظه می‌گردد که به دلایلی حد را اجرا ننموده یا به تأخیر انداخته‌اند، تأخیر در اجرای حد بر بیمار از این موارد است (مؤمنی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۳۶). مجازات ضعف که در ماده ۱۳۰ آیین نامه نحوه اجرای احکام حدود، قصاص ... به آن اشاره گردیده است، یکی از انواع مجازات های حدی می‌باشد که ریشه شرعی دارد. یک کیفر بدل و جایگزین بوده و مجازات فردی است که به دلیل بیماری و ناتوانی، تحمل ضربات مکرر شلاق را ندارد، در این حالت دسته ای از ترکه (چوب های نازک) یا شلاق را یکبار به بدن وی می‌زنند و مجازات اجرا شده تلقی می‌گردد (شهید اول، ۱۴۱۰:

۲۵۵/۱؛ محقق حلی، ۱۴۲۸: ۴-۳/۴۵۸). مطابق منابع فقهی، شرط لازم در صدور حکم به مجازات ضغث، وجود حالت «بیماری و ناتوانی» در فرد مجرم است. فقها بر نوع معین و خاصی از بیماری و ناتوانی تصریح ننموده‌اند. هر نوع بیماری که با اجرای مجازات موجب وخامت حال مریض و یا منجر به مرگ او شود باعث سقوط حدّ تازیانه و اجرای ضغث می‌گردد (بسامی، ۱۴۰۴: ۷۴). از جمله می‌توان به استسقاء (پرنوشی)، دُمَل (آبسه عفونی)، فلج و زمین گیر بودن (شهید ثانی، ۱۴۲۵: ۱۴/۳۷۸)، سل، ضعیف بودن بدن به دلیل ضعف الخلقه (نجفی، ۱۳۶۲: ۴۱/۳۴۰؛ طباطبائی، ۱۴۲۲: ۱۵/۵۰۰) اشاره نمود. بنابراین، ناتوانی و معلولیت طبق منابع شرعی و فقهی از موارد اعمال تخفیف و تبدیل مجازات برای معلولین می‌باشد.

### ۲-۵-۳- حقّ تحمّل مجازات در مکان متناسب

بسیاری از معلولین مانند افراد عادی قادر به سکونت و نگهداری در هر مکانی نیستند و نیازمند مکان‌های خاصّ و نیز وسایل مخصوص خود می‌باشند. با توجه به این امر، چنان چه به هر دلیلی چنین فرد معلولی مستوجب مجازات حبس یا بازداشت موقت قرار گیرد لازم است محلّ نگهداریش جدای از افراد عادی و متناسب با وضعیت وی و دارای تجهیزات لازم باشد. بنابراین مقام قضایی که حکم به حبس معلولی را می‌دهد می‌بایست با توجه به شدت معلولیت، از وجود تجهیزات مساعد و مناسب برای معلول در زندان یا بازداشتگاه اطمینان حاصل نماید. در غیر این صورت، اقدام وی به عنوان مصداقی از آزار و اذیت و رفتار تحقیرآمیز شناخته می‌شود (مرادزاده، ۱۳۸۷: ۲۹۸). در قانون جامع حمایت از معلولین ۱۳۸۳ و آیین نامه ماده ۱۳ آن به موضوع مورد بحث اشاره ای نشده بود. در قانون حمایت از معلولین ۱۳۹۷ نیز به این موضوع پرداخته نشده است، لیکن در مواد ۳۳ و ۱۱۰ آیین نامه سازمان زندان ۱۴۰۰ به ترتیب به لزوم جداسازی زندانیان دارای ناتوانی جسمی و روانی از سایر زندانیان و نیز مناسب سازی و طراحی فضای زندان متناسب با وضعیت معلولین اشاره گردیده است. همچنین در دستورالعمل حمایت از معلولین در دادرسی ۱۴۰۲، موضوع جداسازی زندانیان معلول و نیز مناسب سازی فضای زندان و

فراهم نمودن امکانات فنی، مهندسی و فیزیکی برای معلولین زندانی مورد توجه قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

ممکن است امکانات و تجهیزات فنی جهت نگهداری افراد معلول در زندان و بازداشتگاه وجود نداشته باشد، در این صورت ضرورت دارد مقامات قضایی جهت رعایت حقوق معلول از سایر تأسیسات حقوق کیفری همچون نظارت الکترونیکی استفاده نماید. در همین راستا تبصره ۲ ماده ۸ دستورالعمل مقرر می دارد: در صورت فقدان این امکانات دادگاه می تواند با نظر تخصصی نهادهای حمایتی در خصوص نگهداری اشخاص دارای معلولیت، متناسب با وضعیت و سطح عملکرد آنها، افراد مشمول را در برخورداری از امکانات مراقبت الکترونیکی در حدود قانون و مقررات مربوط اولویت دهند. به طور کلی حتی در فرض وجود مکان مناسب برای حبس یا بازداشت فرد معلول، لازم است مقام قضایی استفاده از مجازات جایگزین حبس را در اولویت قرار دهد (ماده ۲۰ دستورالعمل).

در پایان ذکر یک موضوع خالی از فایده نیست و آن این که در رأیی که دیوان اروپایی حقوق بشر در تاریخ ۲۳ اکتبر ۲۰۰۶ علیه دولت فرانسه صادر نمود این مطالب را خاطر نشان ساخت که دولت‌های عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر باید در اعمال مجازات حبس علیه اشخاص دارای معلولیت به اصل مناسب سازی زندان توجه داشته باشند تا کرامت ذاتی آنها حفظ شود (مرادزاده، ۱۳۸۷: ۲۸۹).

۱. بند ۶ ماده ۶ دستورالعمل، قوه قضاییه را مکلف به فراهم نمودن امکانات فنی، مهندسی و فیزیکی لازم در بازداشتگاه و زندان برای نگهداری افراد معلول دانسته است. همچنین ماده ۸ دستورالعمل مذکور مقرر می دارد: در اجرای ماده ۱۱۱۰ آیین نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰ قوه قضاییه، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مکلف است نسبت به نگهداری جداگانه افراد معلول و ناتوان از دیگر زندانیان یا بزهکاران و تأمین امکانات بهداشتی و تجهیزات کمک توانبخشی لازم اقدام کند. همچنین مطابق مواد ۸ و ۲۸ دستورالعمل، اشخاص دارای معلولیت جسمی حرکتی و سالمندان در بازداشتگاه‌های مناسب سازی شده که دارای امکانات لازم از قبیل سرویس بهداشتی، صندلی چرخدار (ویلچر) یا عصای چهارپایه (واکر) است نگهداری می شوند.

## نتیجه گیری

معلولان مانند سایر انسان ها از تمامی انواع حقوق بشر حقوق برخوردار می باشند؛ لیکن به دلیل وضعیّت خاصّ خود مانند افراد عادی جامعه قادر به اعمال این حقوق نیستند. لذا نیازمند توجه و حمایت مضاعف از سوی دولت ها می باشند. یکی از مصادیق حقوق معلولان، حقوق آنها در نظام عدالت کیفری می باشد. معلولین مانند سایر انسان ها ممکن است مرتکب جرم شده، اما با توجه به آسیب پذیریشان نمی بایست مانند افراد عادی با آنها برخورد گردد، بلکه لازم است یک سیاست کیفری ارفاقی نسبت به آنها اتخاذ گردد. با توجه به این موضوع، در نظام حقوقی ایران خصوصاً در سال های اخیر، قوانین و مقررات مختلفی در راستای حمایت قضایی از معلولین به تصویب رسیده است که از جمله مهم ترین آنها می توان به مواد ۶۶، ۷۰، ۷۱، و ۲۰۱ ق.آ.د.ک. مصوّب ۱۳۹۲، مواد ۲۲ و ۲۳ قانون حمایت از معلولان ۱۳۹۷ و نیز دستورالعمل نحوه حمایت از حقوق اشخاص معلول و سالمند در فرایند دادرسی ۱۴۰۲ اشاره نمود.

با توجه به قوانین و مقررات مذکور می توان گفت در حال حاضر در نظام کیفری ایران معلولان بزهدکار از حقوق مختلفی برخوردار می باشند که به عنوان نمونه می توان به حقّ داشتن قیّم با نظارت و هماهنگی سازمان بهزیستی، حقّ برخورداری از مترجم و کارشناس، حقّ برخورداری از وکیل معاضدتی، حقّ دادرسی در مکان مناسب، حقّ تسریع در دادرسی، حقّ برخورداری از تخفیف مجازات و مجازات جایگزین حبس و حقّ تحمل مجازات حبس در مکان متناسب اشاره کرد. با این وجود، نواقصی نیز در خصوص حقوق معلولان وجود دارد که از جمله می توان عدم وجود ضابط متخصّص و آموزش دیده اشاره نمود. مضافاً آن که حقوق معلولان در دادرسی بهتر است در قالب قانون و آن هم با داشتن ضمانت اجراء لحاظ شود. در نتیجه، تصویب آیین نامه ها و بخشنامه ها آن هم بدون داشتن ضمانت اجراء چندان حقوق قضایی معلولین را تأمین نمی نماید. نکته قابل توجه این است که سیاست کیفری ارفاقی نسبت به کلیه معلولین با هر درجه معلولیت، معقول نبوده، لذا شایسته است که مقنن، معلولینی را که تا درجه خاصّ و معینی از معلولیت برخوردار هستند مشمول معاضدت و ارفاق بدانند. به عنوان نمونه، برخی از معلولین توانایی

تحمل کیفر را دارند، مانند شخصی که یک یا چند انگشت و حتی یک دست وی قطع شده باشد؛ بنابراین تعویق و یا تبدیل مجازات همه معلولین منطقی نبوده و برخلاف یک سیاست کیفری معقول و متناسب می باشد.

## منابع

- آشوری، محمد؛ رحمت، محمدرضا؛ مهدوی ثابت، محمدعلی؛ شیری، عباس (۱۳۹۸)، **افتراقی شدن مرحله تحقیق در خصوص متهمین بیمار**، حقوق پزشکی، ۵۰، ۱۰۹-۱۳۲.
- ابوطالبی، حسن؛ جعفری هرندی، محمد؛ آیتی، سید محمدرضا (۱۳۹۷)، **حقوق معلولین در فقه فریقین**، فقه مقارن، ۱۱، ۵۹، ۸۶.
- احمدی، کامران (۱۳۸۳)، **روانپزشکی آکسفورد**، تهران: فرهنگ فردا.
- بسامی، مسعود (۱۴۰۰)، **حقوق متهمان و مجرمان بیمار در نظام کیفری ایران**، پزشکی قانونی، ۲۷، ۲۱۹-۲۲۸.
- بسامی، مسعود (۱۴۰۴)، **بررسی ماهیت و شرایط اجرای مجازات ضغث در فقه امامیه**، فقه و اصول، ۱۴۲، ۵۹-۹۰.
- پروانه، زهرا؛ جلیلیان، زیور؛ رستمی، مجید (۱۳۹۶)، **مقایسه فرهنگ حمایت حقوقی قضایی از معلولین در ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی**، مطالعات رفتاری در مدیریت، ۱۶، ۱۵-۳۷.
- پورضیایی، کمیل، تار اغفاری نیک (۱۳۹۹)، **اثرات حقوقی و اجتماعی الحاق ایران به کنوانسیون حقوق معلولین از منظر حقوق داخلی**، پژوهشنامه حقوق فارس، ۶، ۱۱۹-۱۴۹.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۳۸۴)، **الروضة البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه**، ج ۱۳، چ ۴، ترجمه: علی شیروانی، قم: دار العلم.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۲۵ق)، **مسالك الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام**، ج ۱۴، چ ۳، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- جلالیان، عسگر (۱۴۰۰)، **کنکاشی از منظر هنجارهای اخلاقی بر تضمین‌های حمایت از معلولان در کنوانسیون حقوق معلولان و حقوق ایران**، اخلاق پزشکی، ۴۶، ۱-۱۴.
- حلی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۳۸۶)، **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، ج ۳-۴، تهران: رشید.
- خالقی، علی (۱۴۰۰)، **آیین دادرسی کیفری**، ج ۱، چ ۴۹، تهران: شهر دانش.

- خوش اندام، محمد؛ میرقادری، جلیل (۱۳۸۵)، جرم و کم توانی ذهنی (نگاهی به قوانین جزایی و حقوقی در زمینه افراد کم توان ذهنی)، تعلیم و تربیت استثنایی، ۶۰، ۷-۱۶.
- سلامی، شهرام؛ مظهری، محمد (۱۴۰۱)، حق بر سلامت معلولان در حوزه حقوق شهری (با نگاهی به مصوبات شورای شهر تهران)، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۱۵، ۱۱۰-۱۳۲.
- شفیع، محمدسعید؛ شفیع، شیرین (۱۳۹۵)، حمایت های قضایی و حقوقی از معلولین در نظام دادرسی جمهوری اسلامی ایران و کنوانسیون های بین المللی، مطالعات علوم سیاسی حقوق و فقه، ۴، ۹۷-۱۱۱.
- صفایی، حسین (۱۳۷۸)، قیمومیت شخص حقوقی در قانون واگذاری قیمومیت محجوران تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور به سازمان مذکور، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۶، ۳۹-۵۰.
- طباطبائی (صاحب ریاض)، سید علی (۱۴۲۲ق)، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، ج ۱۵، قم: آل البيت (ع).
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق)، اللغه الدمشقیه، ج ۱، چاپ اول، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- غفارپورنافچی، شهربانو؛ محمدی، اصغر (۱۳۹۶)، عوامل مؤثر بر پذیرش افراد دارای ناتوانی در جامعه (مطالعه موردی: شهر کرد)، توانبخشی، ۳، ۲۰۲-۲۱۱.
- غلامی، حسین (۱۳۸۹)، حقوق بیماران در نظام عدالت کیفری، حقوق پزشکی، ۱۴، ۱۳-۴۵.
- کمالی، محمد (۱۳۸۳)، حقوق بشر و ناتوانی، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۳، ۴۱-۵۶.
- محسنی، مرتضی (۱۳۹۲)، دوره حقوق جزای عمومی، ج ۱، ج ۴، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- محمدی قاری، سید محمد (۱۳۸۷)، تحول گفتمانی حق ها و آزادی های معلولان در آینه حقوق بشر معاصر، پژوهش های حقوقی، دوره ۱۳، ۱۸۵-۲۰۸.
- محمودی، فضل الله (۱۳۹۹)، تحلیل و ارزیابی حقوق معلولان در پرتو حقوق شهروندی، مطالعات تطبیقی حقوق شهروندی، ۱، ۹۴-۱۲۱.
- مرادزاده، حسن (۱۳۸۷)، بازداشتگاه مناسب برای معلولان زندانی از منظر دیوان اروپایی حقوق بشر، پژوهش های حقوقی، ۱۳، ۲۸۹-۳۰۴.
- موسوی مقدم، سمانه؛ تولائی، علی؛ ابویی مهریزی، حسین (۱۳۹۳)، تأثیر بیماری جسمی بر سلب حضانت، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۱، ۲۲۸-۲۱۱.

- مؤمنی، عابدین؛ علوی، محمد؛ رستمی نجف آبادی، حامد (۱۳۹۶)، مؤلفه های تأثیرگذار در اجرای حدود، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۷، ۲۳۵-۲۵۶.
- نباتی، نگار (۱۳۸۹)، حمایت از اشخاص دارای معلولیت در نظام بین المللی حقوق بشر، تهران: شهر دانش.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۳۶۲)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۴۱، چ ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نصب، محمدحسین؛ جهان بین، عباداله؛ جهان بین، فخرالدین (۱۳۹۰)، نگرشی بر وضعیت حقوق معلولان در ایران در پرتو حمایت های رفاهی و مدنی دولت، حقوق اساسی، ۱۶، ۱-۲۴.
- نیازی، محسن؛ فرهادیان؛ علی؛ کریمان گیلان، ندا؛ امیدوار، آزاد (۱۴۰۲)، حقوق افراد معلول در ایران (مطالعه فراترکیب)، توانبخشی، ۱/۲۴، ۵۶-۷۵.
- وزیر، مجید؛ حسینی، حامد (۱۳۹۸)، ضرورت حبس زدایی زنان بزهکار سرپرست خانوار در فقه و حقوق ایران با رویکردی به حقوق فرانسه، فقه اقتصادی، ۱، ۲۹-۵۱.
- یوسفیان، الهام (۱۳۸۷)، تأملی به قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در پرتو مقررات کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت، پژوهش های حقوقی، ۱۳، ۲۰۹-۲۱۹.
- کمالی، محمد؛ فریبا، ایران (۱۳۸۲)، مروری بر حقوق کودکان دارای ناتوانی و معلولیت، رفاه اجتماعی، دوره ۲، ۷، ۹۳-۱۱۰.
- گرجی، علی اکبر؛ شیرزاد نظلولو، زهرا (۱۳۹۷)، جایگاه حقوق معلولین در حوزه حقوق شهری»، مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۲۶، ۱۶۳-۱۳۷.

## References

- Ashouri, Mohammad. Mohammad Reza Rahmat. Mohammad Ali Mahdavi Thabet. Abbas Shiri (2019), "The Separation of the Investigation Stage Regarding Patient Defendants", Journal of Medical Law, Volume 13, Number 50.
- Abu Talebi, Hassan. Mohammad Jafari Harandi. Seyyed Mohammad Reza Ayati (2018), "The Rights of the Disabled in the Jurisprudence of the Sects", Quarterly Journal of Contemporary Jurisprudence, Year 6, Issue 11.
- Ahmadi, Kamran (2004), Oxford Psychiatry, Tehran, Farhang Farda Publications.
- Bassami, Masoud (۲۰۰۱), "The Rights of Suspects and Sick Criminals in the Iranian Criminal System",

Journal of Forensic Medicine, Volume 27, Number 4.

- Basami, Masoud (۲۰۲۵), "Investigating the nature and conditions of Zighs the punishment of slander in Imamiyyah jurisprudence", Journal of Jurisprudence and Principles, Volume 57, Number 3, Serial 142.

-Parvaneh, Zahra. Ziwar Jalilian. Majid Rostami (2017), "Comparison of the Culture of Legal Support for Persons with Disabilities in Iran and International Conventions", Journal of Behavioral Studies in Management, Volume 8, Number 16.

- Pourziaei, Komil. Tara Ghfari Nik (2019), "Legal and Social Effects of Iran's Accession to the Convention on the Rights of Persons with Disabilities from the Perspective of Domestic Law", Persian Law Research Journal, Volume 3, Number 6.

- Jalalian, Asgar (1400), "A study from the perspective of ethical norms on the guarantees of protection for the disabled in the Convention on the Rights of Persons with Disabilities and Iranian Law", Journal of Medical Ethics, Volume 15.

-Khaleghi, Ali (1400), Criminal Procedure Code, Volume 1, 44th edition, Publisher: Shahr Danesh Legal Studies and Research Institute.

-Khosh Andam, Mohammad. Jalil Mirghaderi (2006), "Crime and Mental Disability (A Look at Criminal and Legal Laws in the Field of Mentally Disabled People)", Journal of Exceptional Education, Volume 6, Number 60.

- Tabatabaei, Ali (1422 AH), Riyaz Al-Masaa'il, Volume 15, First Edition, Publications of the Al-Bayt Institute (AS).

- Salami, Shahram. Mohammad Mozhari (1401), "The Right to Health of Disabled Persons in the Field of Urban Law (With a Look at the Approvals of Tehran City Council)", Quarterly Journal of Research and Development in Comparative Law, Volume 5, Number 15.

- Shafiee, Mohammad Saeed. Shirin Shafiee (2016), "Judicial and Legal Protections for the Disabled in the Judicial System of the Islamic Republic of Iran and International Conventions", Journal of Political Science, Law and Jurisprudence Studies, Volume 2, No. 4.

- Shahid Awwal (1410 AH), Lame'a Dimashqiyya, Volume 1, First Edition, Dar al-Turaht al-Dar al-Islamiyya Publications.

- Shahid Thani (2005), Sharh al-Lama', Volume 13, translated by Ali Shirvani, fourth edition, Dar al-Ilm Publications.

- Shahid Thani (1425 AH), Masalak al-Afham, Volume 14, Third Edition, Qom, Publications of the Islamic Encyclopedia Institute.

- Sahib Jawaher (1983), Jawaher al-Kalam. Volume forty-one, seventh edition, Darahiya al-Turaht al-Arabi Publications.

- Safaei, Hossein (1999), "Guardianship of a Legal Person in the Law on Transferring Guardianship of Disabled Persons Covered by the National

- Welfare Organization to the Mentioned Organization", Journal of the Faculty of Law and Political Sciences, No. 46.
- Gholami, Hossein (2010), "Patient Rights in the Criminal Justice System", Journal of Medical Law, Volume 4, Number 14.
- Ghafarpour nafchi , Shahrbanoo. Asghar, Mohammadi (2017), "Factors Affecting the Acceptance of People with Disabilities in Society (Case Study: Shahrekord)", Journal of Rehabilitation, Volume 18, Number 3.
- Kamali, Mohammad. Iran, Fariba (2003), "Review of the Rights of Children with Disabilities", Social Welfare Quarterly, Volume 2, Number 7.
- Kamali, Mohammad (2004), "Human Rights and Disability", Social Welfare Quarterly, Volume 3, Issue 13.
- Gorji, Ali Akbar. Zahra Shirzad Nazarloo (1988), "The Position of the Rights of the Disabled in the Field of Civil Law", Quarterly Journal of Strategic Studies in Public Policy, Volume 8, Number 26.
- Moradzadeh, Hassan (2008), "A suitable detention center for disabled prisoners from the perspective of the European Court of Human Rights", Journal of Legal Research, Volume 7, Number 13.
- Mohammadi-Ghari, Seyyed Mohammad (2008), "The Evolution of the Discourse on the Rights and Freedoms of Disabled People in the Contemporary Human Rights Mirror", Journal of Legal Research, Volume 7, Number 13.
- Mahmoudi, Fazllah (2019), "Analysis and Evaluation of the Rights of the Disabled in the Light of Citizenship Rights", Journal of Comparative Studies in Citizenship Rights, Volume 1, Number 1.
- Mohseni, Morteza (2013), Course in General Criminal Law, Volume 1, Fourth Edition, Ganj Danesh Publications.
- Mohaqeq Helli (2007), Sharia' al-Islam, Volumes 3-4, First Edition, Rashid Publications Publisher.
- Niyazi, Mohsen. Ali Farhadian. Nada Kermian Gilan. Azad Midvar (1402), "The Rights of Disabled Persons in Iran (A Meta-Synthesis Study)", Journal of Rehabilitation, Volume 24, Number 2.
- Momeni, Abedin. Mohammad Alavi. HamedRostami Najafabadi (2017), "Influential Components in the Implementation of Hudud", Journal of Islamic Jurisprudence and Law Studies, Year 9, Issue 17.
- Mousavi Moghadam, Samaneh. Ali Tolai. Hossein Abuei Mehrizi (2014), "The Effect of Physical Illness on Deprivation of Custody", Journal of Islamic Jurisprudence and Law Studies, Year 6, Issue 11.
- Nabati, Negar (2009), Support for Persons with Disabilities in the International Human Rights System, Tehran, Shahr Danesh Publications.

- Nasib, Mohammad Hossein. Ebadaleh Jahanbin. Fakhreddin Jahanbin (2011), "A Perspective on the Status of the Rights of the Disabled in Iran in the Light of the Government's Welfare and Civil Support", Journal of Fundamental Rights, Volume 8, Number 16.
- Vaziri, Majid. Hamed, Hosseini (2019), "The necessity of releasing female criminals who are heads of families in Iran and their rights with an approach to French law", Quarterly Journal of Economic Jurisprudence, Volume 1, Issue 1.
- Yousefian, Elham (2008), "A Reflection on the Comprehensive Law to Protect the Rights of Persons with Disabilities in Light of the Provisions of the Convention on the Rights of Persons with Disabilities", Journal of Legal Research, No. 13.

